

مفهوم اتوس در نظریه تراژدی ارسطو و بازتاب تاریخی آن

محمد هاشمی^۱، امیر مازیار^۲

چکیده

از دیدگاه ارسطو شخصیت آرمانی تراژدی باید از نظر اخلاقی خوب باشد؛ یعنی باید طی کنش انتخاب‌گرانه آگاهانه، قاعده حدوسط اخلاقی را رعایت کرده باشد. این پژوهش، بمنظور تشریح اتوس، به طرح این پرسش پرداخته است که در پیوند میان کنش و شخصیت از نظر ارسطو، انتخاب آگاهانه اخلاقی، خیرهای بیرونی و شباهت میان شخصیت و مخاطب چه جایگاهی دارد و بازتاب تاریخی این پیوند، بر چه مبنایی قابل بررسی است؟ هدف مقاله آنست که با تکیه بر نسبت میان کنش و شخصیت اخلاقی در فن شعر و بخشهای مرتبط رساله‌های دیگر ارسطو، نسبت میان نظریه تراژدی و فلسفه اخلاق وی را بررسی نماید و بازتاب تاریخی این پیوند را بیابد. این پژوهش نشان میدهد که کنش و شخصیت تراژدی در پیوند با یکدیگر، محاکاتی از ذات و ماهیت اخلاقی جهان ارائه میدهند. بازتاب تاریخی دیدگاه اخلاقی ارسطو درباره تراژدی در نظریه‌های مربوط به اصالت اخلاق و نسبت هنر و اخلاق قابل تحقیق است. این پژوهش، کیفی است و با روش توصیفی - تحلیلی داده‌های کتابخانه‌یی خود را بررسی کرده است.

۴۵

این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «نسبت میان فلسفه اخلاق و نظریه تراژدی نزد ارسطو» است.
۱. دانشجوی دکتری فلسفه هنر، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ mh7poetica@gmail.com

۲. استادیار گروه فلسفه هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ maziar1356@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1400.12.3.6.6

سال ۱۲، شماره ۳
زمستان ۱۴۰۰
صفحات ۶۴ - ۴۵

کلیدواژگان: ارسطو، اتوس، شخصیت، کنش، فن شعر، انتخاب آگاهانه اخلاقی، قاعده حدوسط اخلاقی.

* * *

مقدمه

ارسطو در رساله فن شعر، کنش (action) را با واژه‌هایی چون پراتین (prattin)، پراکسیس (praxis)، پراگماتا (pragmata) و موتوس^۱ (Muthos (Plot-structure)) تعریف کرده است. او پراتین را همراه با واژه‌های پراتونتاس (prattontes)، درونتس (drontes) و پراکسیس آورده است که به جنبه فاعلی کنش نظر دارند. همچنین پراگماتا را برای معادل کنشها، یعنی رویدادها و بویژه ترکیبندی رویدادها استفاده کرده، کما اینکه پراتین و پراکسیس را نیز گاهی بمعنای پراگماتا بکار برده است. وی موتوس را بعنوان حاصل جمعی از پراتین، پراکسیس و پراگماتا معرفی میکند. موتوس از نظر ارسطو تمامیت سازمان یافته ساختار رویدادها و چارچوب دراماتیک کامل یک نمایشنامه^۲ و محاکات یا نمایشگری پراکسیس بطور عام یا یک پراکسیس بطور خاص^۳ است. بنابراین ارسطو در واژه موتوس به وحدت کنش توجه دارد که از طریق رابطه علی میان کنشها و رویدادها بدست می‌آید. بعقیده او، شاعر در کنشها و زندگی تأمل نموده، سپس الگویی از کنشها و زندگی را در قالب شعر تراژیک بشکل نمایشی تقلید میکند. پراکسیس، موضوع یا محتوای طرح ساخت (موتوس) است و طرح ساخت، نقشه یا سازمان معنادار اثر هنری و شاعر، در اصل سازنده موتوسهاست. ارسطو معتقد است ساختار یافتن رویدادها بطور منسجم در طرح ساخت تراژدی به وحدت کنش مطلوب در تراژدی منتهی میشود.

اتوس (ethos) در فن شعر به دو معنی: شخصیت (character) و شخصیت‌پردازی (characterisation) بکار رفته است که باید ماهیت پروآیرسیس (prohairesis)، یعنی کنش انتخابگرانه مطابق با میل و نیت آگاهانه فضیلت‌خواهانه یا ردیلت‌خواهانه نقشواره تراژدی را نمایان سازد. اما کنش نیک یا فضیلت‌مندانه کنشی است که قهرمان یا شخصیت آرمانی تراژدی انجام میدهد و دارای ویژگیهایی است که در این مقاله بررسی میشود. بنابراین مقاله حاضر در صدد است با تشریح مفهوم اتوس در فن شعر ارسطو، پیوند میان شخصیت و کنش را در نسبت میان نظریه تراژدی و فلسفه اخلاق او شرح دهد.

۴۶

